

Bicimchee

بیسیمچی

Magazine

صفحات زیبا

بیسیم چی، ویژه چہل و چہارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بہمن ماہ ۱۴۰۱



چہل و چہارمین سالگرد

بیسیرچی

دیبر زینب تاج‌الدین
مدیرگروه فنی علیرضا مظاهری
صفحه‌آرا علی نصر آزادانی
ویراستار سارا حفیظی

صفهان زیبا

صاحب امتیاز شرکت فرهنگ، هنری، مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا

مدیر مسئول دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل احسان تیموری سیجانی

تحریریه میثم رشیدی مهرآبادی، فرزانه فرجی، پگاه ظاهری، زینب آزاد، شیما اسماعیلی، مرضیه حق‌خواه، مریم بهادری

چند رسانه‌ای سید میلاد میردامادی



مریم بهادری / روزی که بابا و مامان و داداش حسن را زدند، من توی خانه بودم. مامان برای زهرا فرنی درست کرد. کهنه‌اش را عوض کرد و همراه بابا و داداش به تظاهرات رفت. گریه کردم که من را هم ببرید. مامان دست‌هایم را گرفت و روی زانوهایش نشست. (این روزا بیرون رفتن تو خطرناکه. حواست به خواهرت باشه تا ما برگردیم. بهت قول میدم خیلی زود باهم بریم.) چیزی نگفتم. دلم نیامد بیشتر معطلشان کنم. وقتی برگشتند، سر و صورت بابا و داداش خونی و کبود بود. دست‌های مامان هم از دو جا شکسته بود. توی صورتش جای زخم نشسته بود. من و زهرا جیغ زدیم و گریه کردیم. می‌گفتند کار چماق به‌دستان بوده. بابا می‌گفت: «شاهی که وجود نداره، بختیار هم داره زورهای آخرش رو می‌زنه.» بابا راست می‌گفت. چند روز پیش که امام به ایران آمد، بابا و داداش به تهران رفتند. از توی تلویزیون عمه خانم این‌ها آمدن امام را دیدیم. همه گریه می‌کردند. من گریه‌ام نیامد؛ ولی یک چیزی توی دلم تندتند می‌زد. وقت‌هایی که خیلی خوشحال می‌شوم، این طوری می‌زنم. دلم برای خودم می‌سوخت که مجبور بودم همیشه توی خانه بمانم و از این طرف چیزهایی بشنوم. مدرسه‌ها هم که تعطیل بودند. امروز صبح من و زهرا هنوز خواب بودیم که مامان شروع کرد به جیغ زدن. ترسیده بودیم. پیچ را دیورا تا آخر زیاد کرد. گریه می‌کردم می‌خندید. گفت انقلابمان پیروز شد. حالا لباس‌هایت را بپوش که هوای آزادی، خوردن دارد. الان که به میدان امام رسیده‌ایم، همه همگلاسی‌هایم را پیدا کرده‌ام. بعضی‌ها با کارتون و مقوا تابلوهای قشنگی درست کرده‌اند. چند مرد دور حوض می‌رقصند وزن‌ها شکلات پخش می‌کنند. بابا و داداش حسن هنوز از تهران نیامده‌اند. خوش به حالشان که امام را از نزدیک دیده‌اند.

{ مدیرگروه پایداری }
زینب تاج‌الدین



چهل و چهار سال گذشت؛ چهل و چهار سالی که از روزگاری که به حق تلخ تر از زهر بود. هنوز از خون شهیدان لاله به بار می‌آید و همچنان در اوج خدا هستیم... فراموش نکرده‌ایم و فراموش هم نخواهیم کرد جوانان دیروز عهدشان با انقلاب را محکم بستند. غیرتشان را با رفتن به میدان جنگ به نمایش گذاشتند و امضایشان خونی بود که در راه حق نثار کردند. این‌ها تمام‌شدنی نیست. انقلاب ما تمام‌شدنی نیست و شهدا تمام‌نشده‌ترین حقیقت عصر و دوران ما هستند که هرگز رنگ کهنگی نخواهند گرفت! انقلاب اسلامی در عبور از روزها و سال‌ها قد کشید و بزرگ شد. بزرگ و بزرگ‌تر هم خواهد شد؛ شکی در آن نیست؛ چرا که خون شهدا ضامن معتبری است برای انقلاب اسلامی ما...

خون شهدا ضامن معتبری است برای انقلاب ما

باغ خزان زده جوانه زد!

{ نویسنده }
فرزانه فرجی

تماشا کردیم. ایستادن غیرت پای وطن را نظاره کردیم. دیدیم چطور و چگونه ستاره اقبال وطن فروزان شد. طلوع زندگی را از نو دیدیم، نشاط نشسته روی چهره اهالی میهن را لمس کردیم و دیدیم چطور اشک های یخ زده آب شد و اشک هایمان غرق لبخند شد و انقلاب ما پیروز شد. به پای این قیام تا قیامت می شود ماند. باید که برای حفظش جنگید، باید آسان از دستش نداد. باید برای وحدت بیشتر تلاش کرد. باید برای ایران جانمان جانانه جان داد؛ چرا که ما برای آنکه ایران خانه خوبان شود، رنج دوران برده ایم!...

هدفش. همت، می جوشد. غیرت، قیام می کند وقتی حرف از وطن می شود؛ چرا که وطن هستی ماست، وطن مادر، آبا و اجداد ماست، وطن هویت است، اصل است، ریشه است، دیروز و امروز و فردای ماست. وطن، ایران ماست. برای ایران مادست ها به هم رسیدند، قلب ها یکی شدند، حرف ها رنگ عمل به خود گرفتند. چهره ها مصمم شدند، مشت ها در هم تنیدند و به هم گره خوردند. مردی از جنس آب، آبادی را به ارمغان آورد. ظلم و آزارگون شد و منظومه انقلاب رقم خورد. جاء الحق و زهق الباطل را مرزه کردیم، چشیدیم و دیدیم. فجر را

قیامی مقدس صورت گرفت. ماه، ماه، ظفر شد. خدا با ما بود که ایمان برنده شد. معنویت شد یک سلاح جانانه. پیروزی زاده شد، ظلم سزنگون گشت و یخ ها آب شد و خورشید گرم تر. صداها دست به یکی کردند، خروشیدند، جوشیدند، یک رنگی صدا روی همه رنگ ها را سفید کرد. طنین صداها در دل شب و از پشت بام ها قوت گرفت. فریاد «الله اکبر» نشست روی زبان ها. دل ها از طنین صداها ی یکبارچه لرزید. دل هم که بلرزد تکلیف مشخص است؛ کار را باید تمام شده دانست. آدم مجنون می شود؛ مجنون رسیدن به

را نشان دهد، نور را پخش کند در دل و تمام کند همه بی سامانی ها را. روزهایی رسید که قفس ها قید بند را زدند و درها باز شد. رنگ به روی بنفشه ها بازگشت و باغ خزان زده که اسیر سرمای زمستان بود و دست به عصا، انگار به یکباره نفس کشید و جوان شد و جوانه هم زد. بهار خودش را از میان پیچک های رنگ و رو پریده بیرون کشید و هوا نفسی تازه کرد. تبریک آلاله ها دیدنی بود. فصل، فصل فرشته بود. دردها مداوا شد، جای زخم ها التیام پیدا کرد. صداها حبس شده در دل راه خودشان را پیدا کردند.

آفتاب بی رمق زمستان جانی تازه گرفت. دست گرمش صورت ها را نوازش کرد و خواب را دواند بین پلک های یخ زده از سوز سرمای سال ها بی خوابی. نه اینکه چشم ها عطش خواب داشته باشند، نه خواب آرام، شده بود یک آرزو؛ خوابی که وقتی چشم ها را باز کنی عدالت ببینی، دو کلام حرف حساب بشنوی، خدا را حس کنی، دلت دلشوره فرداهای پر از سؤال های بی جواب را نداشته باشد، حق را لمس کنی و باطنت الک شود از هرچه تو را از خدا دور کرده است. سال ها بود پریشانی خیمه سنگینش را پهن کرده بود در دل و کنج دنجی را انتخاب کرده بود و بی هوادست انداخته بود بیخ گلو، بغضی که باید پاره می شد تا پاره پاره هایش راه



نشانه مشخصی در اثبات این واقعیت دردناک که دستمان از روایت‌های دست اول و مکتوب روزهای انقلاب تا چقدر خالی است. وقتی روایت‌ها چنین اوضاعی داشته باشند، تکلیف داستان‌ها هم مشخص است؛ البته تعداد داستان‌هایی که درباره انقلاب نوشته شدند، بسیار بیشتر از روایت‌هاست؛ اما چیزی که می‌تواند مصالح کافی برای نوشتن داستان در سال‌ها و قرن‌های بعدی را بدهد، روایت‌هایی است که متأسفانه آن‌طور که باید و شاید ثبت نشده. تنها چیزی که تا حدودی در دهه هفتاد و هشتاد توانست جای خالی روایت‌ها را پر کند، برخی تاریخ‌شفاهی‌ها درباره افراد مؤثر در انقلاب و روایت‌های خاطرات افرادی است که اگر چه پس از انقلاب هم مسئولیت‌هایی داشتند؛ اما هنوز موارد ثبت شده در ذهنشان، پرتنگ بود و کتاب‌هایشان مورد توجه مخاطبان واقع شد و حتی مستندهایی مبتنی بر آن‌ها به شبکه‌های تلویزیونی راه پیدا کرد. مثالش همین کتاب «خاطرات عزت شاهی» که حتماً همه شما یا آن را خوانده‌اید و یا لاقلاً نامش را شنیده‌اید. همه آنچه گفتیم، رنگ و لعابی از کم‌کاری و ناامیدی داشت؛ اما نباید بی‌انصافی کرد و از چراغ‌هایی که سوسو می‌زنند و امید به فروختن آتش‌های بزرگ و امیدبخش می‌دهند، نگفت. چندسالی است دفتر تاریخ‌شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و انتشارات راه‌یار، اقدامات قابل توجهی را برای ثبت روایت‌های دست اول درباره انقلاب، خصوصاً در مناطق دور از مرکز، شروع کرده است. کتاب‌هایی هم در این باره منتشر شده که همه‌شان خواندنی و دیدنی هستند. اگر حوصله داشتید، عنوان «کتاب‌های انقلابی انتشارات راه‌یار» را جست‌وجو کنید تا بیش از ده کتاب این انتشارات برایتان لیست شود. این، یعنی هنوز هم وقت برای ثبت روایت‌ها درباره انقلاب به پایان نرسیده و می‌شود امیدهای تازه‌ای آفرید و در اختیار علاقه‌مندان قرار داد.

مدام می‌گوییم «مجلس انقلابی»، «دولت انقلابی»، «وزیر انقلابی»، «دانشمند انقلابی»، «کارگر انقلابی» و... اما واقعاً «انقلاب» کدام است و «انقلابی» کیست؟ از همین اطرافینتان شروع کنید و این سؤال‌ها را از چند نفر بپرسید. اگر جوابی برای شما داشته باشند هم نمی‌توانید به روایت واحدی برسید. چرا؟ چون اساساً هنوز انقلاب را روایت نکرده‌ایم. با فرزند شهیدی که چند سالی است قلم به دست گرفته، می‌نویسد و اتفاقاً کتاب‌هایش همه «روایت» است و مورد توجه مخاطبان هم قرار گرفته، صحبت می‌کردم. جمله جالبی گفت: «اگر انقلاب رخ نداده بود، روایت من از فلان جوان شهرستانی یا فلان فرزند شهید و حتی فلان همسر ساواکی، نه نوشته می‌شد و نه خوانده...». تعبیر جالبی بود برای انقلاب؛ انقلابی که اتفاقاً خودش به خوبی روایت نشده است. شاید بتوان علت اصلی در روایت ناقص و کم‌رنگ انقلاب را در فاصله کوتاهش با آغاز جنگ تحمیلی دانست؛ اما کم‌کاری‌ها را هم باید به جای خود بررسی و بازخواست کرد. در بین منابع مکتوب اگر سید محمود گلابدیره‌ای نوشته‌هایش در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب را نمی‌نوشت و آن را در «لحظه‌های انقلاب» منسجم نمی‌کرد، چه روایت دست اول و خواندنی از آن روزها داشتیم؟ این کتاب را هم وقتی انتشارات کیهان منتشر کرد، آنقدر زیر تیغ حذف رفته بود که نویسنده بارها اعتراض کرد و خواست که کسی پیدا شود و متن کاملش را بدون کم و کاست چاپ کند! بعدها هم اگر چه انتشارات «عصر داستان» متن کامل آن را چاپ کرد؛ اما سید محمود نبود که لذتش را ببرد... این هم

برای روایت انقلاب چه کرده‌ایم؟

نویسنده و روزنامه‌نگار
میثم رشیدی مهرآبادی



هدف انقلاب استقلال، آزادی جمهوری اسلامی

محسن نصری، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان
از آینده پیش روی انقلاب اسلامی می‌گوید

{ مدیر گروه سیاست }
پگاه ظاهری

بررسی و مرور دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در سالروز پیروزی آن که برای کسب استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی رخ داد، دارای اهمیت است؛ رویدادی که با هدف درهم شکستن نظام سلطه‌گری و قدرت شکل گرفت و تبیین دستاوردهای آن پس از گذر ۴۴ سال، از ضرورت‌هاست؛ اینکه طی سال‌هایی که از این تحول بزرگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌گذرد، تا چه اندازه در مسیر اهداف و آرمان‌های اصلی خود حرکت کرده و از سوی دیگر در سایه هجمه‌های فراوان دشمنان با هر ابزار و رفتاری همچون کودتا، جنگ و تحریم تا به امروز چگونه دوام آورده است. در این خصوص با محسن نصری، تحلیلگر مسائل سیاسی فرهنگی و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، گفت‌وگو کرده‌ایم. به گفته این کارشناس، اگر انقلاب در ایران صورت نمی‌گرفت، کشور با مشکلاتی همچون افزایش سلطه بیگانگان و ذلت مردم، جداسازی بخش‌هایی از کشور، کاهش ارزش‌های اسلامی و همچنین ناامنی منطقه‌ای مواجه بود. نصری همچنین معتقد است تحقق کامل اهداف و آرمان‌های اصلی انقلاب ایران در گرو حل مشکلات و بحران‌های کنونی است و در غیر این صورت انقلاب ما نیز به اهداف عالی خود نخواهد رسید. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

«استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» می‌توان پیدا کرد و در این قالب به خوبی قابل تبیین است. در آن زمان مردم معترض به ذلت و زیرسلطه‌بودن آمریکا و کاپیتولاسیون آمریکا، انقلاب کردند و حکومت پهلوی سرنگون شد. مردم در مخالفت با استبداد و دیکتاتوری دوره پهلوی و قاجاریه شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را سر دادند. مردم مخالف حاکمیت سلطنت پادشاهی و پادشاهان بی‌لیاقت و فاسد بودند و در شعار خود سردادند که خواهان جمهوری اسلامی هستند. سرانجام انقلاب ایران پیروز شد؛ انقلابی که در آن نقش پررنگ مردم و قوانین و ارزش‌های اسلامی نهفته است.

عدم وقوع این انقلاب مساوی با چه شرایطی در ایران بود؟
اگر در بهمن ۵۷ انقلاب به پیروزی نمی‌رسید،

انقلاب ایران در سال ۵۷ با همه مشکلات و هزینه‌ها و به امید شرایطی بهتر برای ملت ایران شکل گرفت. از ضرورت‌های وقوع این انقلاب بگویید.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ ریشه در تاریخ مبارزاتی مردم با هدف مقابله با استبداد داخلی و همچنین مقابله با استعمار خارجی دارد؛ مبارزاتی همچون نهضت تحریم تنباکو، جنبش مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، نهضت حضرت امام (ره) در سال ۱۳۴۱ که در نهایت مجموع همه این مبارزات به انقلاب ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی منتهی شد.

پس با در نظر گرفتن تاریخ سیاسی ایران، شرایط اقتضا می‌کرد که این تحول عظیم در کشور رخ دهد؟
اقتضای انقلاب ایران را در شعار محوری انقلاب



از یک سو سلطه آمریکا، انگلیس و صهیونیسم بر کشور گسترده‌تر و از سوی دیگر دیگر ذلت مردم ایران نیز بیشتر می‌شد. با عدم پیروزی انقلاب ایران و در ادامه جداسازی بخش‌هایی از کشور در دوران قاجار و پهلوی، انگلیسی‌ها برای جدا کردن بخش‌هایی همچون خوزستان برنامه داشتند. با این پیش‌بینی همچنین امنیت کشور و تمامیت ارضی ایران نیز به خطر می‌افتاد. اگر انقلاب نمی‌شد، روز به روز استبداد و دیکتاتوری در عرصه‌های گوناگون بیشتر و نفس کشیدن برای مردم نیز سخت‌تر می‌شد؛ برای مثال شکنجه‌های مبارزانی که خواستار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی

انقلاب ایران در سال ۵۷ با همه مشکلات و هزینه‌ها و به امید شرایطی بهتر برای ملت ایران شکل گرفت. از ضرورت‌های وقوع این انقلاب بگویید.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ ریشه در تاریخ مبارزاتی مردم با هدف مقابله با استبداد داخلی و همچنین مقابله با استعمار خارجی دارد؛ مبارزاتی همچون نهضت تحریم تنباکو، جنبش مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، نهضت حضرت امام (ره) در سال ۱۳۴۱ که در نهایت مجموع همه این مبارزات به انقلاب ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی منتهی شد.

پس با در نظر گرفتن تاریخ سیاسی ایران، شرایط اقتضا می‌کرد که این تحول عظیم در کشور رخ دهد؟

اقتضای انقلاب ایران را در شعار محوری انقلاب «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» می‌توان پیدا کرد و در این قالب به خوبی قابل تبیین است. در آن زمان مردم معترض به ذلت و زیر سلطه بودن آمریکا و کاپیتولاسیون آمریکا، انقلاب کردند و حکومت پهلوی سرنگون شد. مردم در مخالفت با استبداد و دیکتاتوری دوره پهلوی و قاجاریه شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را سر دادند. مردم مخالف حاکمیت سلطنت پادشاهی و پادشاهان بی‌لیاقت و فاسد بودند و در شعار خود سردادند که خواهان جمهوری اسلامی هستند. سرانجام انقلاب ایران پیروز شد؛ انقلابی که در آن نقش پررنگ مردم و قوانین و ارزش‌های اسلامی نهفته است.

عدم وقوع این انقلاب مساوی با چه شرایطی در ایران بود؟

اگر در بهمن ۵۷ انقلاب به پیروزی نمی‌رسید، از یک سو سلطه آمریکا، انگلیس و صهیونیسم بر کشور گسترده‌تر و از سوی دیگر دیگر ذلت مردم ایران نیز بیشتر می‌شد. با عدم پیروزی انقلاب ایران و در ادامه جداسازی بخش‌هایی از کشور در دوران قاجار و پهلوی، انگلیسی‌ها برای جدا کردن بخش‌هایی همچون خوزستان برنامه داشتند. با این پیش‌بینی همچنین امنیت کشور و تمامیت ارضی ایران نیز به خطر می‌افتاد. اگر انقلاب نمی‌شد، روز به روز استبداد و دیکتاتوری در عرصه‌های گوناگون بیشتر و نفس کشیدن برای مردم نیز سخت‌تر می‌شد؛ برای مثال شکنجه‌های مبارزانی که خواستار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بودند، روز به روز از سوی نیروهای ساواک حکومت پهلوی بیشتر می‌شد. نکته دیگر اینکه، اگر انقلاب به پیروزی نمی‌رسید، از ارزش‌های اسلامی نیز کاسته می‌شد. آن‌طور که در دوره رضاشاه شب‌های تاسوعا و عاشورا کارناوال شادی راه انداخته می‌شد و در مقابل، در مساجد را می‌بستند و در کاباره‌ها را بر روی مردم می‌گشودند. هدف حکومت پهلوی از بین بردن ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی بود که با پیروزی انقلاب این ارزش‌ها و قوانین اسلامی نه تنها کم‌رنگ نشد، بلکه تقویت هم شد.

انقلاب‌های بسیاری در کشورهای دیگری همچون روسیه، چین و فرانسه صورت گرفته است. انقلاب ایران در مقایسه با این انقلاب‌ها از چه امتیازاتی برخوردار است؟

امتیازات یا تفاوت‌های مهم انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌ها در سراسر جهان همچون انقلاب فرانسه، روسیه و چین را در سه عرصه می‌توان عنوان کرد. اولین نکته، حضور و نقش مردم در انقلاب ایران است. انقلاب فرانسه یک انقلاب بورژوازی و مختص به طبقه سرمایه‌دار بود. انقلاب روسیه هم

یک انقلاب «پرولتری» بود که در آن طبقه کارگر یا پرولتاریا سعی در براندازی حاکمیت طبقه بورژوازی داشتند. انقلاب چین نیز یک انقلاب دهقانی بود که کشاورزان چین توانستند نبض آن انقلاب را دست بگیرند؛ اما انقلاب ایران انقلابی بود که همه اقشار مردم از پیر تا جوان، از شهری تا روستایی، از فقیر تا ثروتمند در آن حضور داشتند. دانش‌آموز، دانشجو، طلبه، کارمند و کشاورز همه برای براندازی نظام شاهنشاهی بایکدیگر متحد شدند.

میشل فوکو، فیلسوف اجتماعی، در سال ۵۷ در انقلاب ایران حضور داشت و راهپیمایی‌های مردم را از نزدیک می‌دید و برای نشریات خارجی مقالات بسیاری در این باره می‌نوشت. او درباره انقلاب ایران گفته است: «در جامعه‌شناسی مفهومی با عنوان اراده جمعی یک ملت وجود دارد که این مفهوم یک مصداق بیشتر در دنیا ندارد و آن انقلاب ایران است؛ انقلابی که با اراده جمعی یک ملت پدید آمد.» دومین تفاوت انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌ها در نوع رهبری انقلاب است. رهبر انقلاب ایران فردی خودساخته، عارف، عالم، فیلسوف، مرجع تقلید، مفسر و دانشمند بود که در کنار دیگر رهبران انقلاب‌ها در دنیا که بعضاً افراد فاسد و قدرت‌طلبی بودند، دیده شد؛ رهبری مذهبی و دینی که خود را خادم مردم می‌دانست. سومین امتیاز انقلاب ایران، دینی بودن آن بود. مبنای انقلاب ایران، اسلام بود. همه انقلاب‌های دنیا سکولار بودند و دین و ارزش‌های دینی نقشی در آن‌ها نداشت؛ انقلاب فرانسه، چین یا روسیه انقلاب‌هایی دنیوی و مادی بودند که با هدف کسب قدرت و ثروت صورت گرفتند. مبنای انقلاب ایران اما ارزش‌های اسلامی و قوانین دینی بود؛ به همین خاطر هم تحلیلگران، جامعه‌شناسان و مفسران اروپایی، آمریکایی و شرقی در تحلیل انقلاب ایران عنوان کردند که ما درکی از انقلاب ایران نداریم.

۴۴ سال از انقلاب ایران می‌گذرد؛ ۴۴ سالی که کشور از سوی رقبا و دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحت فشارهای مختلفی قرار گرفته و همچنان این فشارها ادامه دارد. در این فضا اهداف و آرمان‌های اصلی انقلاب ایران تا چه اندازه محقق شده است؟

در ۴۴ سال گذشته توطئه‌ها و دشمنی‌هایی بسیاری علیه ایران از سوی مستکبران حاکم دنیا در قالب جنگ نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای و تبلیغاتی، کودتا و ترور صورت گرفته است که ایران نیز در مقابل همه آن‌ها کم نیارود و در گام اول انقلاب قدم بزرگی در حوزه‌ها علمی و پژوهشی، عمرانی و امنیتی آن هم در شرایط سخت تحریم‌های اقتصادی و سیاسی برداشت و توانمند و مقتدر به راه خود ادامه داد و شرایطی بهتر از دوره پهلوی که جمعیت ایران کمتر بود و تحریم هم وجود نداشت، برای مردم به وجود آورد. گام دوم انقلاب نیز در ۴۰ سالگی انقلاب ایران برداشته شد و رهبر معظم انقلاب بیانیه‌ای در خصوص این گام مطرح کردند تا هم ایرادها و اشکال‌ها برطرف شود و هم شاهد موفقیت‌های بیشتری در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجتماعی کشور باشیم.

این دستاوردها، هزینه‌ها و خسارت‌های فراوانی هم برای ملت ایران به همراه داشته که در برخی مواقع غیرقابل جبران بوده است. آیا این هزینه‌ها با دستاوردهای حاصل‌شده همخوانی دارد و به عبارتی، متناسب است؟

طبیعی است که هر ملتی که برای استقلال و آزادی تلاش و مجاهدت می‌کند، باید در راستای این هدف هزینه‌هایی هم بدهد. هیچ ملت و جامعه‌ای بدون دادن هزینه به موفقیت‌ها، آرمان‌ها و اهداف متعالی خود دسترسی پیدا نمی‌کند. چه قبل از انقلاب و چه پس از پیروزی انقلاب، دسیسه‌های بسیاری علیه ایران صورت گرفت و ملت ایران در شرایطی چون حمله نظامی دشمنان، تحریم‌های اقتصادی و در فضای توطئه‌ها و کودتاها مقاومت کرد و سرانجام در مقایسه با دیگر انقلاب‌ها به نتایج خوبی رسید. پس اگر ملت ایران طی این سال‌ها هزینه‌هایی هم داده و همچنان می‌دهد، همگی برای دستیابی به هدف با عظمتی با عنوان استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بوده است؛ هدفی که یک بخش مهم آن تحقق پیدا کرده و البته بخش دیگر



اگر انقلاب نمی‌شد، روز به روز استبداد و دیکتاتوری در عرصه‌های گوناگون بیشتر و نفس کشیدن برای مردم نیز سخت‌تر می‌شد؛ برای مثال شکنجه‌های مبارزانی که خواستار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بودند، روز به روز از سوی نیروهای ساواک حکومت پهلوی بیشتر می‌شد



کنیم.

آن باقی مانده است که ان شاء الله در گام دوم انقلاب نیز شاهد تحقق آن هم خواهیم بود.

؟ جدای از اتحاد و همبستگی شهروندان، اندیشمندان و دولتمردانی که اشاره کردید، برخی معتقدند نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین قانون اساسی که در سال ۵۸ به تصویب رسید، در شرایط مخصوص به خود و با توجه به مشکلات آن زمان شکل گرفته و هم‌اکنون نیاز به بازنگری‌هایی دارد. نظر شما در این باره چیست؟

بازنگری در ساختارها باید تعریف شود. در خود قانون اساسی کشور یک قانون مادر و مبنایی مطرح است که در اصل آخر خود گفته، بازنگری قانون اساسی امکان پذیر است؛ مگر در برخی از اصول همچون مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی، آرا و حضور مردم، ارزش‌های اسلامی، حکومت اسلامی و جایگاه رهبری ولایت فقیه که قابل بازنگری نیست؛ چراکه این موارد بنیان و پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌روند. در موارد قابل بازنگری قانون اساسی هم اگر مجموعه مدیران، متخصصان، مسئولان و رهبر معظم انقلاب تشخیص دادند که مشکلات ما در اصل قانون اساسی است، بازنگری مسلماً صورت می‌گیرد.

؟ جدای از بازنگری قانون اساسی، برخی قوانین هم با اصلاح اجرا نمی‌شوند یا به خوبی اجرا نمی‌شوند؛ درست است؟

بله دقیقاً؛ امروزه مشکل اصلی ما همین است که به آن اشاره کردید. برخی از اصولی که در قانون اساسی آورده شده، به خوبی اجرا نمی‌شود. در این شرایط می‌توان گفت که مشکل از قانون اساسی و ساختارهای اصلی نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه در عدم تحقق اصول قانون اساسی است؛ چراکه همین نظام و قانون اساسی ظرفیت‌هایی را برای حل مشکلات ایجاد کرده است که ما می‌توانیم با بهره‌برداری از آن‌ها شرایط را بهبود بخشیم.

؟ هم‌اکنون کشور در شرایط نامتعادل از لحاظ اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. این فضا چه خطراتی را برای آینده انقلاب ایران در پی خواهد داشت؟

اگرچه انقلاب ایران، انقلاب اقتصادی نبود و در شعارهای سال‌های ۵۶ و ۵۷ نیز هیچ شعار اقتصادی داده نشد؛ اما اقتصاد یک اصل مهم و مورد نیاز مردم هر جامعه است که اسلام هم سفارش‌ها و توصیه‌هایی بسیاری در این باب دارد. پس از انقلاب اسلامی نیز اقدامات گسترده‌ای در راستای آبادی، سازندگی و عمرانی کشور صورت گرفت که البته این اقدامات کافی نیست و همچنان مشکلات بسیاری کشور را فراگرفته است. مسلماً اگر مشکلات اقتصادی حل نشود، انقلاب ما به اهداف خود نخواهد رسید.

؟ برای حل بحران‌های اقتصادی ایران که به گفته شما شرطی برای تحقق اهداف انقلاب ایران است، چه باید کرد؟

حل مشکلات اقتصادی ایران در گرو اقداماتی از سوی سه مجموعه یک منشور سه‌ضلعی دولتمردان و اندیشمندان و شهروندان است؛ سه‌ضلعی که باید با همکاری و اتحاد یکدیگر مشکلات را حل و موفقیت‌ها را بیشتر کنند و از ظرفیت‌های موجود عظیم داخلی کشور بهره‌برند. از طرفی، در این مسیر رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و نسخه درمان اقتصاد و سیاست اقتصاد مقاومتی را نیز الگوی خود قرار دهند. همه مدیران و مسئولان قوای سه‌گانه و هر فردی که در هر بخشی مسئولیتی بر عهده دارد؛ چه اندیشمندان و نخبگان جامعه (۱۵ میلیون فارغ‌التحصیل از دانشگاه، چهار میلیون دانشجو، هفت هزار شرکت دانش‌بنیان) و چه شهروندان و عموم مردم، اعم از کارمند و کارگر و زنان خانه‌دار و دانش‌آموز و... همگی رسالتی در این خصوص برعهده دارند. به عبارتی اگر شهروندان، اندیشمندان و دولتمردان با یکدیگر همکاری کنند، می‌توانیم معضلات اقتصادی را با استفاده از تجربه‌هایی که طی ۴۰ سال گذشته کسب کرده‌ایم، به خوبی برطرف



انقلاب در سینما یا سینمای انقلابی

مروری بر فیلم و سریال‌هایی با مضمون
انقلاب اسلامی ایران



تاریخ ایران در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و چندین سال بعد از آن، مملو از اتفاقات مهم، پرتنش و عجیب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حوادث گوناگونی است که از نظر سینمایی و هنری جذابیت زیادی برای روایت داشتند؛ حوادثی که باعث شد تا سینماگران نام‌آشنای آن زمان بخش عمده‌ای از آثار خود را به انقلاب اسلامی، ریشه‌ها، بسترها و چگونگی وقوع آن به عنوان پدیده قرن بیستم و یک رخداد بزرگ و حیرت‌آور اختصاص دهند. این تحول و انقلاب عظیم همچنین آغازگر راه همواری برای فعالیت فیلم‌سازان جوان و تازه‌نفسی شد که از همان ابتدای کار خود، هنر هفتم را از بابت تبیین و تشریح پیام انقلاب و زمینه‌های وقوع آن و بازنمایی بخشی از نارسایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام سابق به خدمت گرفتند؛ جوانانی که تا پیش از وقوع انقلاب و با سلطه رژیم شاهنشاهی به دلیل محدودیت‌ها و نبود آزادی بیان، فضایی برای ساخت فیلم‌هایی با موضوع دینی و عقیدتی خود نداشتند و انقلاب ۵۷ بستری مناسب را برای این تازه‌واردان پر استعداد به وجود آورد. از این جوانان جویای نام نام‌هایی چون رسول صدرعاملی و رضا داوودنژاد به یادگار مانده است.

پیشگامان سینمای انقلاب

شاید شروع ساخت آثار سینمایی با موضوع انقلاب را بتوان با ساخت فیلم‌های «زنده‌باد» از خسرو سینایی و «خون بارش» از رسول صدرعاملی دانست که به عنوان نمایندگان دهه پنجاه اولین گام را در تولید آثاری با موضوع انقلاب برداشتند و مخاطبان زیادی را همراه خود کردند.

به عبارت دیگر سینمای ایران در سال‌های پایانی دهه پنجاه، رویه خود را کاملاً تغییر داده و با ساخت این دو فیلم سینمایی پرطرفدار بر سبک و سیاق فیلم‌های آینده نیز تأثیر بسزایی گذاشت؛ به طوری که «فصل خون» از حبیب کاووش، دیگر فیلم پرطرفداری بود که با مضمون انقلاب و مبارزات در سال ۱۳۶۰ با بازی علی نصریان، سعید کنگرانی، ولی شیرمدانی و... ساخته و بر روی پرده نقره‌ای به نمایش درآمد.

«فصل خون» در قیاس با اسلاف خود از یک تیم بازیگری توانمندتری برخوردار بود و حبیب کاووش در این فیلم از زاویه‌ای تازه به مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب و نوع کنش‌های ساواک در برابر این فعالیت‌ها پرداخت.

تصویری که در این فیلم از سازمان اطلاعات و امنیت کشور ارائه شد برای اولین بار با آن چه در فیلم‌های گذشته قبل از انقلاب به نمایش درآمده کاملاً متفاوت بود و همین ویژگی موجب جذب مخاطبان زیادی به «فصل خون» شد.

علاوه بر این فیلم، «خانه عنکبوت» علیرضا داوودنژاد، از پرسروصداترین فیلم‌های دهه شصت با مضمون انقلاب است که در قالب یک اثر آپارتمانی و پردیالوگ قصه چهار وابسته به نظام شاهی را که در

ماجرای طبس در ویلایی دور هم جمع شده و تمام امیدشان تغییر نظام و بازگشت به قدرت است، به تصویر می‌کشد.

قصه به صورت یکنواخت و آرام با هدف مشترک این چهار نفر آغاز می‌شود؛ اما با شکست حمله نظامی آمریکا و ناامید شدن آن‌ها تغییر رویه داده و با ظهور اختلاف بین آن‌ها و تلاش هرکدام برای حذف دیگری به پایان می‌رسد. هرکدام از این چهار نفر با وجودی که وابسته به نظام سلطنت هستند؛ اما بخشی از یک طبقه اجتماعی و طیف سیاسی را نمایندگی می‌کنند. داوودنژاد با فرجامی که برای این چهارمرد ترسیم می‌کند، می‌خواهد استعاره‌گونه از اختلافات درونی سردمداران و مهره‌های نظام گذشته سخن بگوید؛ اختلافی آن قدر کهنه و ژرف که حتی با وجود بروز دشمنی مشترک، همچنان عفونی است. داستان جذاب و سبک آپارتمانی و نو «خانه عنکبوت» نیز این فیلم را از سایر آثار مشابه خود متمایز کرده و باعث شد تا این اثر در زمان اکران، تعدادی زیادی از سینمادوستان را همراه خود کند. ظهور هنرمندان تازه‌نفس، مشخص شدن معیارها و ارزش‌های مردم‌پسند و اسلامی واز همه مهم‌تر



انتظار می‌رود که
با وجود مسیر
پرپیچ و خم
انقلاب در طول
این چهل سال،
همچنان
شاهد حضور
علاقه‌مندان
زیادی باشیم که
مایل هستند آثار
خود را پیرامون
موضوع‌های
سیاسی تاریخ
معاصر به نمایش
بگذارند

وقوع جنگ تحمیلی، تب‌وتاب ساخت فیلم‌هایی با مضمون ارزشی و انقلاب را بیش از گذشته کرد و فیلم‌های سینمایی نظیر «خاک و خون» از کامران قدکچیان محصول سال ۱۳۶۲، «ریشه در خون» اثر خوب سیروس الوند محصول سال ۱۳۶۳، «تشریفات» مهدی فخیم‌زاده این اثر کم‌دی و جذاب که زندگی یک مطرب جوان را به تصویر می‌کشد، فیلم «اکشن ترن»، فیلم سینمایی خوب «تیرباران» و اثر جذاب و معروف جمال شورجه «شب دهم» را برای سینمای ایران به ارمغان آورد. آثاری که نام خود و سازندگان را به عنوان فیلم‌های برتر و کاملاً حرفه‌ای سر زبان‌ها انداخته و شاید همین اتفاق بود که باعث شد ساخت فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی با موضوع انقلاب و وقایع پیرامون آن مختص به دهه پنجاه و شصت نماند و در طول این چهاردهه گذشته هر ساله سینماگران و علاقه‌مندان زیادی را به خود جذب کند.



«ماجرای نیم‌روز» محمدحسین مهدویان و «سیانور» بهروز شعبانی از جمله همین کارهای خوب و همه‌پسندی است که در دهه نود با محوریت انقلاب و فعالیت منافقین ساخته شدند و جوایز زیادی را در جشنواره‌های مختلف، از جمله فجر به خود اختصاص دادند.

انقلاب در تلویزیون ملی

با وجود این، هنر هفتم و سینما تنها شاهد آثار ارزشی و انقلابی بر روی پرده خود نبود؛ چرا که در این میان تلویزیون نیز همواره در طول این چهاردهه فعالیت پس از انقلاب با ساخت سریال‌های پرمخاطب و قدرتمند ادای دین خود را به این رویداد بزرگ و حوادث پیرامونش ادا کرده و به دلیل مخاطبان زیاد خود توانسته تا پیش از سینما و تئاتر بر قشر عام مردم تأثیرگذار باشد.

سریال‌های پرمخاطب با مضمون انقلاب ۵۷

به‌طورمثال سریال معروف و پرطرفدار «در چشم باد» اثر خوب مسعود جعفری جوزانی که از اواخر دوران قاجار شروع و تا جنگ ایران و عراق را از زاویه دید زندگی

یک پسر جوان به نام بیژن به تصویر می‌کشد، از جمله کارهای پرزحمت و جذابی است که در زمان پخش مخاطبانی زیادی را همراه خود کرد. «از نفس افتاده» قاسم جعفری نیز دیگر سریال شاخص با موضوع انقلاب اسلامی بود که داستان عاشقانه و بازی خوب اشکان خطیبی به‌عنوان یک جوان تازه‌معرفی شده به دنیای سینما در آن سریال از نقاط قوت اثر به‌شمار می‌رفت. علاوه بر آن فیلم‌های «انقلاب زیبا»، «معمای شاه» و «یک مشت پر عقاب» نیز آثار قابل‌دفاعی بودند؛ اما اگر بخواهیم از یکی از پرمخاطب‌ترین و خوش‌ساخت‌ترین آثار انقلابی دودهمه گذشته نام ببریم، شاید به جرئت بتوان «تا صبح» با بازی عسل بدیعی را یکی از برترین سریال‌های انقلابی در تاریخ تلویزیون دانست که در ۲۹ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای ساخته و روایتگر زندگی عاشقانه دختر جوان

و ثروتمندی بود که با وجود زندگی در یک خانواده سلطنتی قدم در راه مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی گذاشته و دست تقدیر، سرنوشت او را برای همیشه تغییر داد. این اثر پس از ساخت بارها در شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش و بعد از هربار پخش مخاطبان بیشتری را همراه خود کرد. علاوه بر این سریال‌ها آثاری چون «ارمغان تاریکی»، «پروانه»، «نفس»، «کیمیا»، «ششمین نفر» و «زیرخاک» نیز از جمله آثاری بودند که هر کدام از زاویه دید خود به وقایع و روزهای پرتلاطم ابتدای دهه شصت پرداخته و سعی کردند تا بهترین و صادق‌ترین روایت را برای تاریخ این سرزمین به تصویر بکشند. با این حال، انتظار می‌رود که با

وجود مسیر پرپیچ‌وخم انقلاب در طول این چهل سال و وقایع تاریخی مختلفی آن، همچنان شاهد حضور علاقه‌مندان زیادی باشیم که مایل هستند آثار خود را پیرامون موضوع‌های سیاسی تاریخ معاصر همچون انقلاب، جنگ و وقایع پس از آن، به نمایش بگذارند و مانع کم‌رنگ شدن تصویر این بخش مهم از تاریخ سرزمینمان در ذهن نسل جوان و ماجراجوی حال حاضر باشند.

نوجوانان مخاطب روایت‌های ملموس از دوران پهلوی!

از «رؤیای بعدازظهر» تا «پدر، پسر، روح‌الله»

{ خبرنگار }
{ مرضیه حق خواه }

عاشقانه‌های کوچک

از این‌ها که بگذریم، کتاب‌های «آن مرد با باران می‌آید»، «نرگس»، «فصل پنجم: سکوت» و «گزارش‌های امیر پسر عاشق» همه روایتگر نوجوانانی هستند که زندگی عادی و دور از هیاهویی دارند؛ اما کم‌کم در جریان حوادث و اتفاقات و سپس مبارزات انقلابی قرار می‌گیرند و با موج اعتراضات مردمی علیه حکومت طاغوت همراه می‌شوند.

«آن مرد با باران می‌آید» به تقریظ رهبر انقلاب رسیده است. «نرگس» نیم‌نگاهی هم به مسئله حجاب و مبارزه برای حفظ آن دارد و دو کتاب بعدی یک عاشقانه ظریف نوجوانانه را در دل خود جا داده‌اند.

در نهایت دو کتاب دیگر را نیز برای نوجوانان کم‌سن‌تر معرفی کنیم که هردو آن‌ها نیز دارای تصویرگری‌های خوبی هستند. یکی مجموعه چندجلدی «شاه فراری شده» که داستان خانواده‌ای در بجنوبه انقلاب است. پدر این خانواده زندانی ساواک است. کتاب «میدان انقلاب» که دوپرفه است. به این معنا که از هر دو سمت می‌توانی شروع به خواندن کتاب کنی و هر طرف کتاب روی کتاب است؛ منتها یک روز از زبان یک نوجوان در دهه ۱۴۰۰ است و یک روز از زبان یک نوجوان در سال ۵۷ (پدر نوجوان اول).

در این کتاب می‌توان سیر اتفاقات قبل از انقلاب و تحولات و اتفاقات بعد از سال ۵۷ را به صورتی پیوسته و مختصر خواند؛ البته این‌ها فقط بخشی از کتاب‌های نوجوان با موضوع انقلاب اسلامی بودند.

حیف که مجال نیست بیشتر درموردشان صحبت کنیم و نیز بقیه کتاب‌های از این دست را اسم ببریم.



اگر نبود روایتگری و انتقال تجربه نسل زمان انقلاب، نسل‌های بعد نه از امام و نه از انقلاب و آیدئولوژی و آرمان آن اطلاع می‌یافتند و نه می‌توانستند راه آن‌ها را دریابند و ادامه دهند

«روایتی ساده از ماجرای پیچیده» است که داستان یک پسر ترکمن را روایت می‌کند.

این پسر در مقابل ظلم خان می‌ایستد تا انتقام کشته‌شدن برادرش را بگیرد؛ ولی اطرافیان او را به دلیل به‌خطرافتادن جاننش راهی تهران می‌کنند. در تهران او با پسری انقلابی دوست می‌شود و... کتاب دوم «دو روایت از یک عکس» که فضایی فانتزی دارد، ماجرای یک بچه غول را روایت می‌کند که نزد دوشاه پهلوی رفته و با آن‌ها هم‌صحبت می‌شود و در عین حال ماجراهایی از سلطنت این دو بر ایران و ظلم و جنایاتی را که بر ملت روا داشته‌اند برای مخاطب روایت می‌کند.

کتاب سوم «پدر، پسر، روح‌الله» است که شامل نامه‌های مادری انقلابی برای پسر دانشجوی خود است. در این نامه‌ها مادر از روزهای انقلاب و بیشتر از آن، از منش و معنویت امام خمینی (ره) برای پسرش می‌گوید؛ پسری که برای تحصیل عازم پاریس شده و با پسری اهل نوفل‌لوشاتو دوست است.

نمی‌شود حرف از انقلاب برای نوجوان زد و از مجموعه داستان‌های انقلاب نادر ابراهیمی اسمی نیاورد. نادر ابراهیمی، عجب‌بچه ادبیات ایران، مجموعه‌ای دارد که قرار بوده جلد‌های متعددی داشته باشد؛ ولی فقط پنج جلد آن فرصت نوشته‌شدن یافته است؛ مجموعه‌ای که داستان‌هایی کوتاه ولی تأثیرگذار را در بر می‌گیرد. «برادرت را صدا کن»، «پدر چرا توی خانه مانده است»، «جای او خالی»، «نیروی هوایی» و «سحرگاهان همافران اعدام می‌شوند» اسامی جلد‌های منتشرشده از این مجموعه است.

در صدر این کتاب‌ها «از چیزی نمی‌ترسیدم» خاطرات سردار شهید ما، حاج قاسم سلیمانی است که به خط خود این خاطرات را ثبت و نوجوانی و نحوه آشنایی خود با امام و انقلاب را که بسیار جالب است، روایت کرده و حیف که اجل به او مهلت نداد تا آن را کامل کند. کتاب دیگر «جُغک» است که نه تنها به دلیل شخصیت‌های واقعی‌اش، از جمله نوجوان نقش اصلی و حضور پررنگ آیت‌الله خامنه‌ای در آن ارزشمند است، بلکه سبک روایت این کتاب نیز در بین این آثار، خاص و منحصر به فرد است. «چغک» یک سینما‌رمان است؛ به این معنا که تصاویر سیاه و سفید تمام صفحه، در کنار متن در روایت داستان نقش ایفا می‌کنند و بدون آن‌ها داستان ناقص است.

خیالی‌های واقعی

حالا نوبت آثار داستانی با شخصیت‌های خیالی است؛ شخصیت‌هایی که البته گرچه خیالی‌اند، مابه‌ازاهای زیادی در دنیای حقیقی داشتند و دارند. ابتدا به سراغ کتاب‌های نیلوفر مالک می‌رویم.

این نویسنده در حوزه نوجوان آثار متعددی منتشر کرده است دو اثر کم‌حجم و مختصر، ولی قوی با موضوع انقلاب اسلامی دارد؛ یکی «جایی آن طرف پرچین» و دیگری «رؤیای بعد از ظهر».

در اثر دوم، نوجوانی امروزی، با یک اتفاق به گذشته و روزهای انقلاب پرتاب می‌شود و با خانواده‌ای که در دنیای امروزی خود خوب آن‌ها را می‌شناسد در مبارزاتشان علیه طاغوت همراه می‌شود.

ملاقات بچه‌غول با پهلوی‌ها

ابراهیم حسن‌بیگی، نویسنده دیگری است که چند اثر با موضوع مورد نظر ما دارد. بهترین آن‌ها

باز دهه فجر با تمام شور و نشاط انقلابی‌اش از راه رسید! در این روزها نسل‌های دهه شصت به بعد، حالا بعد از چهل‌واندی سال، گوش به دهان پدران و مادران و حتی پدربزرگان و مادربزرگان خود دارند تا برایشان از آن روزهای پراشتهاب دهه پنجاه و مخصوصاً ماه‌های آخر سال ۵۷ بگویند.

نسل دهه پنجاه به قبل نیز هر سال با نزدیک‌شدن بهمن ماه، یاد روزهای آن دوران خود می‌افتند و با مرور خاطرات تکرارنشده آن روزها، جوش و خروش انقلابی درون خود را زنده می‌کنند و با روایت آن اتفاقات، بخشی هرچند اندک از آن جوش و خروش را به نسل‌های بعد از خود منتقل می‌کنند.

این شور و نشاط انقلابی در آثار تألیفی داستانی و روایی چون کتاب‌ها، فیلم‌های سینمایی و مستند و... نیز به وفور دیده می‌شود. در آن ایام نوجوانان نیز نقش جدی در فعالیت‌های مبارزاتی علیه شاه و شکل‌گیری انقلاب داشتند و پایه‌های بزرگ‌ترهای خود دویند، روشنگری کردند، مقاومت و ایستادگی نمودند و حتی شهید شدند. در این بین از میان تمام آثاری که به روایت انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، کتاب‌هایی هم هستند که مختص نوجوان‌اند و اتفاقات آن روزها را برای آن‌ها که دوسه نسل از نوجوان‌های آن سال‌ها فاصله دارند روایت می‌کنند. وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که نویسندگان این کتاب‌ها همان نوجوان‌های زمان انقلاب هستند که به منظور ادای دین خود به انقلاب اسلامی و رهبر وارسته آن، امام خمینی (ره)، دست به خلق این آثار زده‌اند و اگر نبود این روایتگری و انتقال تجربه، نسل‌های بعد، نه از امام و نه از انقلاب و آیدئولوژی و آرمان آن اطلاع می‌یافتند و نه می‌توانستند راه آن‌ها را دریابند و ادامه دهند.

حالا با این توصیفات به سراغ بعضی از این آثار می‌رویم و در حد مختصر هرکدام از آن‌ها را معرفی می‌کنیم.

در بسیاری از این آثار که فضایی داستانی دارد، نویسنده در آن‌ها از خلق شخصیت‌های خیالی برای پیشبرد داستان خود استفاده کرده است؛ اما هستند در بین این‌ها کتاب‌هایی که نوجوان‌هایی واقعی در آن هنرنمایی می‌کنند.

که طرحی نو در اندازیم...!

نگاهی به چند کتاب با موضوع پیروزی انقلاب اسلامی

{ خبرنگار
زینب آزاد }

» تحقق یافتن یکی از محالات

تصورناپذیری انقلاب ایران، اینکه این انقلاب همه را حیرت زده و غافلگیر کرد، احساسی که در صحبت‌های شهردوست و حیرت‌گلابره‌ای دیده می‌شود، موضوع اصلی کتاب چارلز کرزن است. این کتاب زمانی منتشر شده است که از انقلاب ایران بیست و پنج سال می‌گذرد.

نام انگلیسی کتاب (از انتشارات دانشگاه هاروارد) in Iran The Unthinkable Revolution؛ یعنی انقلابی که کسی فکرش را هم نمی‌کرد یا تصورش را هم نمی‌کرد، است.

کرزن در پیش‌گفتار کتابش (ص ۱۷) موضوع کتاب را این‌گونه تعریف می‌کند:

«این کتاب تجربه سردرگمی را که در فرایند انقلاب ایران بسیار همه‌گیر بود مطالعه می‌کند. این تحلیل از نظر زمانی تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یعنی روزی که رژیم شاه سقوط کرد را بررسی می‌کند... اگر تحلیل من درست باشد، آنگاه باید گفت که اعتراضات توده‌ای حقیقتاً پیش‌بینی‌ناپذیرند؛ نه تنها وقتی در حال رخ دادن هستند، بلکه حتی وقتی برمی‌گردیم و آن‌ها را می‌نگریم. پیش‌پای این پدیدارها، دره‌ای از سردرگمی گسترده می‌شود که هر تلاشی برای پیش‌بینی را در خود فرو می‌برد، بدون اینکه نتیجه‌ای به بار آید.»

«انتظار می‌رود که شاه تا ۱۰ سال آینده فعالانه در قدرت باقی باشد»؛ این نتیجه‌گیری گزارشی کاملاً سری درباره آینده شرایط سیاسی ایران بود که تحلیلگران سازمان «سیا» در آبان‌ماه سال ۱۳۵۷ به دولت ایالات متحده ارائه کردند. تحلیلگران

همه‌ساله روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، روزهای خاطره‌انگیز و مسرت‌بخشی برای مردم ایران است؛ روزهایی که طی آن امام خمینی (ره) پس از ۱۵ سال تبعید به ایران بازمی‌گردند و همراه با مردم، سقوط رژیم شاهنشاهی مستقر را رقم می‌زند و برگ تازه‌ای را برای تاریخ ایران و ایرانی پدید می‌آورد.

با توجه به توصیه رهبر معظم انقلاب و تأکید ایشان بر مطالعه تاریخ تصمیم‌گرفته‌ایم کتاب‌هایی را درباره انقلاب اسلامی ایران معرفی کنیم تا با مطالعه این کتاب‌ها با بخشی از حقیقت و واقعیت تاریخ ایران اسلامی آشنا شویم.

» مسجدی برای ماندگاری

قدمت حضور مساجد در ایران به همان دوران اوایل ورود اسلام به ایران بازمی‌گردد. از آن زمان تا به امروز مساجد در شکل‌گیری تاریخ، فرهنگ، هنر، هویت و... ایرانیان نقش بسزایی داشته‌اند و در طول زمان نیز با تغییر حکومت همچنان باقی مانده‌اند؛ برای نمونه می‌توان از مساجد همچون مسجد کبود تبریز، مسجد جامع گوهرشاد مشهد و مسجد شیخ لطف‌الله نام برد. در دوران معاصر نیز مساجد در متن حوادث سیاسی و اجتماعی حضور داشته‌اند و حیات جامعه ایرانی به‌گونه‌ای به مساجد پیوند خورده است. در هیچ برهه‌ای از تاریخ نمی‌توان اثرگذاری مساجد و نقش مؤثر آن‌ها را نادیده گرفت.

در تمام این سال‌ها مساجد مرکز تربیت نیرو و رسانه‌ای برای انقلاب بودند و گاهی محل اخذ رأی و اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ. در میان تمام مساجد برخی از آن‌ها از شهرت ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. مسجد «کرامت» بنا بر حضور و فعالیت رهبر معظم انقلاب در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی یکی از آن مساجد است.

کتاب «مسجد رهبر» که در ۵۴۴ صفحه توسط انتشارات راه‌یار به چاپ رسیده به تحقیق و تفحص درباره مسجد «کرامت» پرداخته است.

مرتضی انصاری زاده به‌عنوان نگارنده کتاب در چهار فصل به زمینه‌های شکل‌گیری و فعالیت‌های مسجد اشاره کرده است. او در این کتاب موضوع‌هایی نظیر نماز جماعت و سخنرانی‌های رهبر انقلاب در مسجد کرامت، تشکیل کمیته انقلاب در آن مسجد و... را آورده است.



تحلیلگران پس از گذشت سال‌ها به یقین نمی‌دانند چرا هیچ‌کس نتوانسته بود انقلابی چنین سهمگین را پیش‌بینی کند؟ «کرزن» (ایران‌شناس) در کتاب «انقلاب تصورناپذیر در ایران» به مطالعه‌همین تصورناپذیری می‌پردازد



این اثر بی برد. این کتاب را می‌توان نوعی «تاریخ جایگزین» دانست؛ نوعی شرطی خلاف واقع و روایت اتفاقی تاریخی، به شیوه‌ای که در واقعیت رخ نداده است.

ارتداد اولین بار در سال ۱۳۹۸ منتشر و از همان سال با استقبال خوب مخاطبان مواجه شد.

مطالعه این داستان شما را به خیابان‌های تهران می‌برد؛ به جایی که فقط ده‌روز از ورود امام به میهن گذشته و مردم میان امید و امیدواری در رفت و برگشت هستند.

«درس عبرت»

داستان «شب ناسور» از زبان یکی از شکنجه‌گرهای ساواک به نام اصغر ضحاک تعریف می‌شود. ضحاک شکنجه‌گری است که در زندان کمیته مشترک ضدخراب‌کاری، بازجوی نیروهای انقلابی است و در جریان آزادسازی زندان کمیته به دست نیروهای انقلابی، فرنچ یا همان لباس زندانی‌ها را بر تن می‌کند تا به‌عنوان ساواکی شناسایی نشود و از خشم نیروهای انقلاب در امان بماند.

اصغر ضحاک چندین سال بعد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فهرستی بیست نفره از انقلابی‌هایی تهیه می‌کند که در زندان کمیته مشترک، بازجویان بود و نتوانسته از آن‌ها اعتراف مؤثری بگیرد. او تصمیم می‌گیرد در نقش خبزنکار و پژوهشگر انقلاب، به سراغ این افراد برود و حرف‌هایشان را بشنود و در آخر، آن‌ها را به قتل برساند.

اگر کسی با جنایات بارز رژیم پهلوی آشنا نباشد، با خواندن کتاب «شب ناسور»، به‌خوبی از اوضاع و احوال زندان کمیته مشترک ضد خراب‌کاری آگاه می‌شود.

ابراهیم حسن‌بیگی در روایت اتفاقات زندان مخوف پهلوی، در عین خیال‌پردازی، مستندنگاری نیز می‌کند. این کتاب ۲۲۴ صفحه است که انتشارات موزه عبرت ایران آن را به چاپ رسانده است.

پس از گذشت سال‌ها به یقین نمی‌دانند چرا هیچ‌کس نتوانسته بود انقلابی چنین سهمگین را پیش‌بینی کند؟ «کرزمن» (ایران‌شناس) در این کتاب به مطالعه همین تصورات ناپذیری می‌پردازد.

او تحلیل‌های رایج درباره انقلاب را مطرح می‌کند و نشان می‌دهد چطور در نظرنگرفتن پیش‌بینی‌ناپذیری وقایع، باعث شده تجربه انقلاب به درستی تجزیه و تحلیل نشود.

کتاب «انقلاب تصورات پذیرد ایران» نوشته چارلز کرزمن با ترجمه محمد ملاحعاسی در چندفصل انواع تبیین‌های رایج از انقلاب ۱۳۵۷، اعم از تبیین‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نهادی و نظامی را بررسی کرده و مشکلات هر یک را باز نموده است.

«حضور یک نوزاد نوپا»

«تولد یک انقلاب» عنوان کتابی ۶۰۸ صفحه‌ای است که به همت نشر شهید کاظمی منتشر شده است. بهزاد دانشگر، نویسنده این کتاب، با رجوع به کتاب‌های تاریخ شفاهی، خاطرات، بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و سایر منابع تلاش کرده است یک روایت واحد از انقلاب اسلامی بسازد تا تصویری واضح از روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، وقایع و افراد دخیل در آن به دست آید. از ویژگی‌های مهم کتاب «تولد یک انقلاب» رجوع نویسنده به نقل‌قول‌های مستقیم و دوری او از تحلیل و توضیح‌هاست تا از این طریق فقط حوادث را ببیند؛ البته این ویژگی کتاب باعث کسالت خوانندگان نمی‌شود و او تلاش کرده تا با ارائه روایتی به شکل داستان دارای تعلیق و ضرباهنگ، خواننده را با چگونگی وقوع انقلاب اسلامی و نقش گروه‌های درگیر در آن و همچنین امام راحل آشنا کند.

«شاید برای شما هم اتفاق بیفتد»

همه چیز ممکن بود به طرز متفاوتی رقم بخورد و ما می‌توانستیم در جای دیگری از تاریخ ایستاده باشیم؛ جایی که اکنون برایمان بسیار دور به نظر می‌رسد!

هر چیزی که امروز داریم و یا نداریم، ممکن بود برعکس باشد؛ این همان چیزی است که وحید یامین‌پور در رمان عاشقانه و سیاسی خود با استفاده از ژانر تاریخ جایگزین قصد دارد به ما بگوید.

ماجرای زبان یک مرد روایت می‌شود؛ مردی عاشق که گویی روزگار تمام زندگی‌اش را به بازی گرفته است. رمان به‌قدری خوش‌خوان و روان است که احساس همدلی با راوی لحظه‌به‌لحظه در شما برانگیخته می‌شود.

یامین‌پور ارتداد را در سه‌بخش روایت می‌کند: حیرت، ارتداد و رجعت. او خود ترجیح داده که به جای صحبت و توضیح بیش از اندازه درباره کتابش، این فرصت را در اختیار مخاطبان قرار دهد که هرکس برداشت شخصی خود را از این اثر داشته باشد و به نوعی، هر فردی خودش به هدف

